



معلمی از جنس نور: میراث تربیتی و اخلاقی استاد برای نسل‌ها

هفتصد اثر از استاد باقی مانده و همه اینها می‌توانند مورد ارزیابی قرار بگیرند.

فکر می‌کنم کلیات ترکیب بندی و چهارچوب ترکیب بندی آثار استاد، حول و حوش دوایر تودرتو با همان حرکت‌های حلزونی و اسپیرال و دایره محدود میشوند. یعنی استفاده از زیرساخت دایره یا همان حرکت‌های حلزونی و اسپیرال بیانگر یک نوع بی‌انتهایی و به اصطلاح نشانه جاودانگی و بی‌انتهایی در عالم هستی است. خوب کارهای مثلاً سیاه قلم استاد که فکر میکنم آثار حول و هوش سال ۱۳۵۴ است و خط و قدرت قلم میان این آثار بسیار ارزش پیدا و اهمیت پیدا می‌کند. این سیاه قلم‌ها سه خصلت دارند، یکی پیوستگی و دیگری پیچیدگی و پویایی. این طراحی‌ها انگار یکی هستند و در اینجاست که قدرت قلم پردازی استاد کاملاً مشهود بوده و بدون رنگ و البته گاهی تک رنگ‌هایی هم در آن دیده می‌شود، ولی عمدتاً بدون رنگ هستند و با نازک و کلفت کردن ضخامت قلم یک انرژی خیلی خاصی به یک حرکت خاصی، به اصطلاح اثر بخشیده‌اند که این کارها قبلاً وجود نداشته و فکر میکنم که یکی از خصوصیات که استاد فرشچیان را صاحب سبک میکند.

به نظر من استاد فرشچیان به جهت انتخاب موضوعاتی که در آثارشان کار کردند، باز هم جزء هنرمندان منحصر به فرد هستند، یعنی در آثار استاد انواع و اقسام موضوعات و آثار مختلف دیده می‌شود و موضوعات متنوعی مانند موضوعات عرفانی، موضوعات دینی و مذهبی و موضوعات ادبی، موضوعات حماسی، موضوعات فلسفی و حتی موضوعات روانشناسی و اخلاقی و موضوعات تاریخی و اساطیری مثل تابلو ققنوس یا تابلوهای انتقادی و سیاسی مانند «در کمینگاه» و موضوعات تمثیلی که همه اینها نشان می‌دهد که استاد دغدغه‌های مختلف در حوزه‌های مختلف داشتند، ولی از نظر من آثاری که در حوزه حماسی و متأثر از ادبیات فارسی مثل نبرد رستم با اژدها کار شد، از استحکام و قدرت و صلابت بیشتری برخوردار هستند. استاد فرشچیان خوشبختانه شاگردان خیلی زیادی تربیت کردند و فرصت داشتند که در جاهای گوناگون از جمله دانشگاه‌ها و هنرستان‌ها چه در اصفهان و چه در تهران و نیز خارج از کشور، شاگردان مختلفی را تربیت کنند. ایشان به جهت کاری و به جهت اخلاقی یک هنرمند کاملاً بدون حاشیه بودند. یکی دیگر از خصلت‌های استاد فرشچیان این بود که به شاگردان خود توصیه می‌کردند که بسیار تمرین کنند تا به نتیجه مطلوب برسند.

استاد فرشچیان یک چهره شناخته شده در سطح جهان بودند و فرصت داشتند مدت زیادی در آمریکا زندگی کنند و آثار خود را در کشورهای مختلف به نمایش گذاشته و هنر نگارگری ایرانی و نقاشی ایرانی را به جهانیان معرفی کنند. خاطرم هست استاد در چین نمایشگاه گذاشته بودند و این در حالی است که گفته می‌شود نگارگران چینی سرآمد نگارگری هستند، اما همان هنرمندان چینی از میزان ظرافت حرکت‌ها و قلم پردازی‌های استاد فرشچیان بسیار متحیر شدند، گویی که انگار یک صفحه تمام به جنبش و حرکت واداشته شده و این خصوصیات فقط ویژه آثار استاد است که باعث شد در خارج از کشور نیز اقبال خیلی خوبی به آثار استاد نشان داده شود.

در پایان باید گفت که بزرگترین میراث استاد فرشچیان مرام و اخلاق او بود که در آثار استاد چون اصلاتی بی‌پایان رخ می‌نمود. بنابراین جا دارد که این حجم از اصالت و زیبایی برای نسل جوان تبدیل به الگو شود و مورد اقبال جامعه هنری قرار بگیرند و الگوی باشند برای آیندگان.

استاد فرشچیان جزء نوادر و هنرمندان برجسته دوره معاصر به حساب می‌آید و مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و حس و حال و توانمندی‌های استاد موجب این شده است که فرشچیان یک هنرمند شش دانگ و منحصر به فرد باشد که این ویژگی‌ها می‌تواند شامل خلق آثار بسیار زیادف طراحی بسیار قوی و رنگ‌پردازی خیال‌پردازانه در آثار و نگارگرهای هنرمند باشد و اینها جزو خصوصیات هست که در آثار استاد فرشچیان به وضوح به چشم می‌خورد و آثار ایشان را از گذشتگان متمایز می‌کند.

موضوع دیگری که حائز اهمیت است، این است که استاد فرشچیان یک نقاش و یک نگارگر دوره معاصر است، اما متصل به پیشینه نقاشی ایرانی و از این بابت توانسته پیوند مناسبی میان نگارگری گذشته ایران که نقطه اوج آن در قرون ۸ و ۹ و ده بوده را با نقاشی ایرانی دوره معاصر این پیوند رو برقرار بکند و مجموعه این‌ها باعث شده که در واقع فرشچیان خودش باشد و آثاری را خلق کند که متعلق به خودش است و با نگاه فکری و منظومه فکری خودش و با طراحی و ترکیب بندی و رنگ بندی و مجموعه‌ای عوامل به اصطلاح ساختاری یک اثر هنری مربوط به خودش باشد و از این آثار مجموعه درست شده که قبلاً شبیه به آن وجود نداشته است، در نتیجه فرشچیان خودش است نه مثل هیچ استاد دیگری مانند مثلاً استاد حاج میرزا آقایی امامی یا مانند استاد عیسی بهادری باشد. او توانسته است عصاره نگارگری گذشته و اون جوهره نگارگری قدیم ما را در وجود خود حذف کرده و دست به خلق آثار جدیدی که متناسب با دنیای معاصر امروز هستند بزند.

مباحث زیبایی‌شناسی، مباحث عمیق و در واقع می‌توان گفت که به نوعی از منظر مختلف باید به آن نگاه کرد؛ چون زیبایی می‌تواند به اصطلاح امری نسبی باشد و در جایی متفاوت از جای دیگری باشد. اما ما واژه‌هایی که برای زیبایی استفاده می‌کنیم فکر میکنم به اندازه کافی گویا هستند، مثلاً معادل واژه زیبایی در متون قدیمی ما جمال است که یکی از خصوصیات بارز خداوند است و یکی دیگه از ویژگی‌های زیبایی یا معادل آن واژه حسن هست، جمال وقتی که در واقع فزونی پیدا می‌کند و از حد فراتر می‌رود میشود حسن که در واقع یک نوع زیبایی مطلق است و واژه‌های دیگری هم داریم مانند ملاحه به کار می‌بریم اینها واژه‌هایی هست که ما در تعاریف زیبا شناختی از اینها استفاده می‌کنیم. البته همه هنرهای ایرانی برای مبحث زیبایی‌شناسی متصل به ادبیات میشوند چون ما در گذشته رساله یا متن مکتوبی مستقیماً راجع به زیبایی‌شناسی نداشتیم و بیشتر این مسائل در لابلای اشعار و ادبیات و گاهی به صورت مختصر در متون نثر دیده می‌شوند؛ در نتیجه برای مباحث زیبایی‌شناسی ما بایستی ادبیات رو مد نظر قرار بگیریم. در این میان اغلب شعرا قائل به دو نوع زیبایی هستند، یک زیبایی ظاهری و یک دیگری زیبایی باطنی است.

زیبایی ظاهری که مستقیماً از طریق چشم قابل تشخیص است و درک ساده تری دارد و لایه روح و قابل تشخیص است. اما به زیبایی باطنی فقط از طریق حواس پنجگانه می‌شود به آن دست پیدا کرد که معمولاً مسائل معنوی و اخلاقی و مسائل باطنی هنرمند در آن لحاظ می‌شود.

خوشبختانه استاد فرشچیان آثار خیلی زیادی خلق کردند، از این نظر وقتی اثر موجود هست میشود از منظر مختلف آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از جمله مسائل زیبایی‌شناسی، تکنیکی، فرمی و یا هر نوع نگاهی به این آثار داشته باشیم، من فکر می‌کنم که پیش از ششصد،

